



بسم الله الرحمن الرحيم

طلامسبه شماره ۴۳

یاد حماسه آفریان ۱۷ شهروبر را گرامی می‌داریم .

۱۳۵۷

... شهیدان بیدان آمده بودند و با فریادهای دلآورانه "الله اکبر" خورشید پریشان و خونین ۱۷ شهروبر را بیدار کرده و سه شهادت فرا میخواندند

نخستین نفس‌های صبح برهنگر همه جا گسترده مردان و زنانی دمید که چشمه‌های خون از آن می‌جوشید و بر چشم خون چکان جلااد می‌اشید و اینچنین ۱۷ شهروبر جاودانه شد .

مردم تکبیر گویان و فریاد زنان ، وحشیانه‌ترین رگبارها را بجان خریدند و انقلاب راجه‌شی دیگر بخشیدند . جلااد بازم مثل همیشه اتمالش تپاه و اندیشه‌هایش به بهبودی و بن‌بست و شکست انجامید . او در کمانش میخواست تا سه‌سریع و صعودی انقلاب را که با بیانی‌های قاطع رهبر انقلاب ناباورانه پیش می‌غلطید و شکستی می‌آفرید ، سد کند و بویژه سرعت خیره‌کننده آنرا که هر لحظه گسترده‌تر و پربارتر ، سلطه‌گران و مزدورانشان را هدف می‌گرفت ، راکد نماید و با بازهم با یک حرکت غیر قابل پیش‌بینی و ضربای سنگین ، خلق ماضی و رسواگر را به غموشی و هراس وا دارد و ۱۵ خرداد دیگری بسازد ، اما این بار افواج تمام ناشدنی مردم ، قلب‌های پاکشانرا در سرود دشمن شکن الله اکبر برکف نهاده و سپینه‌های خویش را بر رگبار می‌گشودند . آنچنان عظیم ، آنچنان عظیم از مرگ‌می‌هراسیدند که دشمن شکن و همه‌دیرگران را به هراسی خوفناک انداختند . برادری در خون سجده می‌کرد و برادرش استوار ایستاده بود ، چونان درختان مقاوم از شهر جلااد می‌شکستند ، اما خم نمی‌شدند .

شهید از بی شهید ، خواهر از بی برادر و ... با هم می‌آمدند و بازم می‌آمدند . در تن‌پوش در خون نشسته‌شان وصیت‌نامه‌هایی می‌میدید ، کوتاه و ساده ، با سلامی به امام و فریادهایی از الله اکبر و از همان لحظه که دید چگونه خیل بی‌انتهای شهیدان به قتلگاه می‌بندد و روبروی چهره جلااد می‌ایستند و مرگ را انتخاب می‌کنند . از همان لحظه عاجزانه شکست مسورده بود .

سپنج هنگامی و بی‌نظیر تمامی مردم ، فرهنگ‌حماسه‌آفرین شهادت‌طلبی و رهبری قاطع ابرمردی که بارها گفتاست " ما از خون دادن باقی نداریم ، شهادت افتخار ما و اولیای ماست " و همچنین زمانهای سریع و بی‌دری‌ای که غارنگران و خون‌آشامان را امان نمیداد و از مردم میخواست که بی‌وقفه و بی‌درنگ بسوی حکومت اسلامی به پیش‌تازد . اینها باعث شده‌هم حساب جلاادان و هم گمان‌روشنگر نمایان کارا اشتباه درآید و بلوغم باطل در شناخت واقعیت‌ها عاجز ماند و بافتنهای ذهنی‌اش با شکست مواجه شود .

گذشته از خود شاه و حامیانش که به این قتل‌عام وحشیانه ، امید سرکوبی نهضت را بسته بودند ، غیرنگاران خارجی و تئوریسین‌های روشنگر و ... همه هم عقیده باهم ، از روی نمونه‌های کلاسیک ذهنی روش انقلاب را بی‌پسوده می‌پنداشتند ، ورها کردن مردم بی‌سلاح در جلو رگبار مسلسل دژغیمان را خام و بی‌نتیجه می‌دانستند و همواره از امام سوال می‌کردند و با برآورد می‌گرفتند که چگونه می‌توان با تظاهرات و اعتصابات رژیم اینچنین خونخوارانه را بریز کشید ؟ اما او بی‌آن بود : تا انقلابی شکست در همه‌همارها و ضوابط به جهان عرضه نماید . در حقیقت دوباره با بلندترین نمره‌ای که از حلقوم تاریخ برآمده است ، مکتبی را بجهان نشان‌داده و عرضه نماید که بسیار شکستی می‌آفریند و همه‌تئوریها را به بازی می‌گیرد ، و دیدیم که چنین کرد .

و همه دیگران نیز همین جمله را فرغوه می‌کردند . اما امام نشان داد که اسلام طرحی نو برای جهان و روشی نو برای پیروزی بر سلطه‌گران دارد ، تسلیم به الله و عصیان با امکان و با تمامی وجود بر علیه طاغوت ، ایمان به معاد و پذیرا شدن شهادت و بالاخره زندگی را از دیدگاهی والا و ارزشمند نگریستن .

... و بدینسان دیدیم که ۱۷ شهروبر افتخار ما و روزنگ‌شاه شد و در بی‌آن نیز همچنان شهیدان فریاد سرخ خون خویش را با ندای الله اکبر بر آسمان افشاند و همچنان انقلاب را به پیش‌راندند و می‌رانید . صدای انقلاب نیز چونک شاه به گمان خام کشیتن و سربریدن و ترور برای شکست انقلاب می‌اندیشید . اما با اعتقاد ما باطل در تمامی چهره‌های گوناگونش همان ماهیت نابود شوندگی را دارد "والکذین کفرؤا و صدوا عن سبیل الله اضل اعمالهم "

در سال گذشته بود ، اینک نیز چهره دیگر آنرا ، ضربای نهایی باشد و این روزحماسی آغاز پیروزیهای بزرگ ملت ما گردد . با تمامی وجود به‌روان پاک شهیدان حماسه‌ساز آنروز درود می‌فرستیم و پیرندان را با قطره‌های خونشان که بیکر در هم

آمیخته‌شان را گلگون کرد ، تکرار میکنیم . بهمین مناسبت نیز در مراسم سالروز بزرگداشت‌شان ، فعالانه شرکت می‌نمائیم .

زنده و جاوید باد ، یاد شهیدان ما

سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی